

Research Paper

Analyzing the Capacity of the Main Economic Sectors in Different Iranian Provinces in Terms of Added Value and their Prospect in 2025 Perspective



***Mohammad Ghaffary Fard** 

Assistant Professor of Economics, Faculty of Social and Behavioral Sciences, International University of Ahle-Bayt, Tehran, Iran



Citation: Ghaffary Fard, M. (2020). [Analyzing the Capacity of the Main Economic Sectors in Different Iranian Provinces in Terms of Added Value and their Prospect in 2025 Perspective]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 8 (2), 208-237. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.102395>

 <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.102395>



ABSTRACT

Improvement and development of different areas of a country is one of the main regional economic theories. It is important to analyze and investigate the process of production and structure in each area through identifying talents, balancing potentials, and combining components in each area so that authorities can have a basic plan for each region of the country. To this aim, employing the method of transfer, the contribution of advantageous sections from 2000 to 2013 was investigated. The findings show that most of the provinces had a positive regional and structural contribution in terms of agriculture, fishing, industry, building, hotel and restaurant, water, electricity, natural gas, wholesale, retailing, vehicle fixing, goods, transportation, storage, communication, health care, real state renting, and services. This reveals the comparative advantage of the regions in these areas. In the area of industry, there was a positive structural and competitive impact in provinces such as Isfahan, Ilam, Boushehr, Chaharmahal and Bakhtiari, Khouzestan, Semnan, Sistan and Balouchestan, Fars, Qom, Kermanshah, Golestan, Mazandaran, Hormozgan, and Yazd, which show the comparative industrial advantages of these regions. There was a decrease in comparative advantage so far as education is concerned in provinces such as eastern Azarbaijan, Isfahan, Ilam, Tehran, Chaharmahal and Bakhtiari, Semnan, Golestan, Koygeloje and Boyerahmad, Gilan, and Markazi, and in public services in provinces such as western Azarbaijan, Ilam, Tehran, and Semnan. However, as their economic contribution is significant, serious measures should be taken to deal with their malfunctioning.

JEL Classification: O18, R11, R12

Received: 11/08/2016

Accepted: 02/27/2019

Available Online: 07/15/2020

Key words:

Comparative advantage; economic development; share transfer; provinces.

* Corresponding Author:

Mohammad Ghaffary Fard, PhD.

Address: Tehran, International University of Ahle-Bayt

Tel: +98 (912) 2307148

E-mail: mghunivers1390@gmail.com

تحلیل ظرفیت بخش‌های عمده اقتصادی استان‌های مختلف ایران از نظر ایجاد ارزش افزوده و چشم‌انداز آن در افق ۱۴۰۶

*محمد غفاری فرد^{ID}

استادیار گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت، تهران، ایران

چیکید

تاریخ دریافت: ۱۸ آبان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش: ۸ اسفند ۱۳۹۷

تاریخ انتشار: ۲۵ تیر ۱۳۹۹

رشد و توسعه مناطق مختلف از مباحث اساسی نظریه‌های اقتصاد منطقه‌ای محسوب می‌شود. تجزیه و تحلیل روند تولید و ساختار آن در سطوح مختلف کشور مستلزم شناخت دقیق استعدادها، توازن بالقوه بخش‌ها و ترکیب آن در مناطق است تا بتوان برنامه‌ریزی متعادلی را در هر بخش از مناطق کشور اجرایی کرد. در همین راستا در این مقاله، با استفاده از روش انتقال سهم بخش‌های مزیت‌دار طی دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ تشخیص داده شده است. نتایج نشان می‌دهد بیشتر استان‌ها اثر سهم منطقه‌ای مثبت و ساختاری در بخش‌های کشاورزی، ماهی‌گیری، صنعت، ساختمان، هتل و رستوران، تأمین آب، برق و گاز طبیعی، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات، بهداشت و درمان، مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار دارند و این امر بیانگر مزیت نسبی مناطق در این بخش است. در بخش صنعت، اثر مثبت ترکیب صنعتی (ساختاری) و رقابتی استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کرمانشاه، گلستان، مازندران، هرمزگان و یزد مثبت است که مزیت نسبی بخش صنعت در این استان‌ها را نمایان می‌کند. مزیت نسبی بخش آموزش استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، سمنان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان و مرگی، و بخش اداره عمومی و خدمات شهری استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، تهران و سمنان از دست رفته است. اما با توجه به اینکه سهم آن‌ها در اقتصاد هر استان چشمگیر است، ریشه‌یابی دلایل عملکرد نامناسب آن‌ها ضرورتی گریزناپذیر به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها:

مزیت نسبی، رشد اقتصادی، انتقال سهم، استان‌ها.

طبقه‌بندی JEL: O18, R11, R12

* نویسنده مسئول:

دکتر محمد غفاری فرد

نشانی: تهران، دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت

تلفن: ۲۳۰۷۱۴۸ (۹۱۲) ۹۸+

پست الکترونیک: mghunivers1390@gmail.com

۱. مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی مناطق هر کشوری از مهم‌ترین مباحث اقتصاد منطقه‌ای در دهه‌های اخیر محسوب می‌شود؛ به‌طوری که بررسی توسعه مناطق، به‌عنوان یکی از اهداف مهم دولت‌های محلی، مورد توجه قرار گرفته است. با بررسی اقتصاد منطقه‌ای کشورهای مختلف مشخص می‌شود که عملکرد اقتصادی برخی مناطق بهتر از مناطق دیگر بوده و در مقایسه با میانگین کشور، رشد اقتصادی بالاتری دارد. این رشد فزاینده ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت‌های نسبی در فعالیت‌های مختلف و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح است. بی‌توجهی به استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و به‌رغم اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای، همچنان روند توسعه‌نیافتگی مناطق ادامه یابد. بنابراین در صورتی که عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مناطق شناسایی شود و درک درستی از توانمندی‌ها و تنگناهای آن مناطق فراهم شود، می‌توان زمینه ارتقای سطح سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مناطق و اتخاذ تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درست و مبتنی بر آگاهی را برای سیاست‌گذاران ملی و محلی فراهم کرد.

واقعیت‌های موجود در ایران نشان می‌دهد در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های زیادی در امر تولید وجود دارد. این پدیده به‌دلیل عدم شناخت امکانات و استعدادهای مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی به‌وجود آمده است. بنابراین پرسش‌هایی به شرح ذیل مطرح می‌شود:

- آیا رشد فعالیت‌های عمده اقتصادی استانی طی برنامه‌های توسعه متناسب با رشد آن در سطح ملی بوده است؟

ساختار اقتصادی استان‌های مختلف چه تأثیری در عملکرد اقتصادی آن‌ها داشته است؟

- کدام فعالیت مهم اقتصادی از رقابت‌پذیری و مزیت نسبی در استان‌ها برخوردار است؟

اگر مزیت نسبی در بخش‌های کشاورزی و صنعت اثر بیشتری بر رشد اقتصادی استان‌های ایران دارد، سیاست‌گذاران اقتصادی هنگام تهیه و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشور و مناطق باید به این روابط توجه کافی کنند.

مدل‌های تحلیلی انتقال سهم و داده ستانده و روش‌های مرتبط دیگر ابزار لازم برای بررسی تأثیر فعالیت‌های مختلف اقتصاد منطقه‌ای را فراهم می‌آورد و روشی برای شناسایی و تعیین فرصت‌ها و امکانات جهت تغییر ساختار اقتصاد منطقه در زمینه بهبود عملکرد به‌شمار می‌رود. در این مقاله سعی می‌شود با به‌کارگیری روش انتقال سهم، وضعیت تولید در بخش‌های مختلف کشور طی دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ تعیین شود. بنابراین ابتدا مطالعات

اقتصادی در زمینه رشد، توسعه منطقه‌ای و مزیت‌های نسبی مرور می‌شود و سپس در بخش دوم، روش تحلیل انتقال سهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش‌های دیگر تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها و نتایج ارائه می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

نظریه‌های رشد منطقه‌ای بر پایه فروض مشخص، عوامل خاصی را محرک‌های رشد اقتصادی در سطح مناطق معرفی می‌کنند. در توجیه رشد نابرابری منطقه‌ای، برخی نظریه‌ها مانند نئوکلاسیک، دیدگاه پایه صادرات منطقه‌ای، تئوری علیت انباشت و نظریه قطب رشد، هر یک به نوعی این نابرابری‌ها را تفسیر و تحلیل کرده‌اند.

الگوی پایه صادرات را اولین بار نورث^۱ در سال ۱۹۵۵م مطرح کرد. در این الگو، فعالیت‌های اقتصاد منطقه‌ای به دو بخش پایه یا صادراتی و غیرپایه یا محلی تقسیم می‌شود. عامل رشد و توسعه منطقه بخش درآمد ناشی از صادرات است و با توجه به ارتباط فعالیت‌های پایه و غیرپایه، درآمد ناشی از آن‌ها موجب رشد و رونق اقتصاد منطقه می‌شود. هارت‌من و سیکلر^۲ نیز الگوی پایه صادرات را در چارچوب سنتی اقتصاد کلان کنیزی برای تفسیر روند رشد منطقه‌ای به کار بردند. **تایبوت**^۳ (۱۹۵۶) در این زمینه بیان می‌کند رشد اقتصاد منطقه‌ای از دو مسیر مستقل و درون‌زا تشکیل شده است. مسیر مستقل رشد به فرایند ناشی از فعالیت صادراتی نسبت داده می‌شود؛ اما مسیر درون‌زای رشد به مصرف و واردات مرتبط است. به اعتقاد وی، به این دلیل که پارامترهای دقیق ساختاری رشد درون‌زا را نشان نمی‌دهند، رشد منطقه‌ای پیش از هر موضوعی در توسعه فعالیت‌های پایه صادراتی رقم می‌خورد. به همین سبب، رشد نامتوازن اقتصاد منطقه‌ای در چارچوب الگوی اقتصاد پایه منطقه‌ای به نابرابری‌های منابع موجود در مناطق مختلف نسبت داده می‌شود؛ به طوری که این اختلاف‌ها در برخی مناطق خاص این امکان را فراهم می‌کند تا کالاهایی که جنبه صادراتی دارند، تولید شوند و در آن نوع کالاها مزیت نسبی بیابند.

طبق نظریه علیت تراکمی **میردال**^۴ (۱۹۵۷)، فعل‌وانفعالات نیروهای بازار به‌طور طبیعی به ایجاد نرخ‌های رشد منطقه‌ای متفاوت تمایل دارد؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌ها در مناطقی صورت می‌گیرد که امکان و احتمال سود بیشتری در آن‌ها باشد و با وجود مزیت‌های مکانی اولیه مانند مزیت‌های طبیعی و انسانی، این ساختار به دلیل صرفه‌های اقتصادی داخلی و خارجی فزاینده، خودپایدار می‌شود؛ در حالی که مناطق توسعه‌نیافته، به‌رغم نیروی کار ارزان، قادر به جذب فعالیت‌های جدید

-
1. North
 2. Hartmam & Seekler
 3. Tiebout
 4. Myrdal

نیستند. به عقیده میردال، آثار القایی پیشرفت در مراکز تجمع از دو طریق آثار آشفتنگی و آثار انتشار، اقتصاد مناطق توسعه نیافته را تحت تأثیر قرار می دهند (Richardson, 1973).

هیرشمن^۵ (۱۹۵۸) با ارائه نظریه پیوند، به تحلیل فرایند توسعه پرداخت. به عقیده وی، پیوندهای پیشین و پسین فرایند سرمایه گذاری را تعیین کرده است و در فرایند توسعه منطقه بسیار اهمیت دارد. علاوه بر این، افزایش درآمد در بسیاری از مناطق، ابتدا از طریق افزایش در صادرات محصولات متکی بر منابع طبیعی شروع می شود و سپس با افزایش تقاضا برای کالاها، تولید آنها در داخل جذاب می گردد. به نظر او، صادرات مواد خام و جایگزینی واردات عامل مهم رشد مناطقی است که در مراحل اولیه توسعه صنعتی قرار دارند. هیرشمن معتقد است در مراحل اول توسعه، می بایست بر اساس پیوندهای پیشین و پسین بر چند بخش، به عنوان بخش های پیشرو یا قطب های رشد، تمرکز و سرمایه گذاری کرد تا در مراحل بعد با انتشار آثار آن به اطراف، مراحل دیگری را پیمود.

کالدور^۶ (۱۹۷۰) اصل علیت تراکمی را ناشی از وجود بازده نسبت به مقیاس فزاینده شامل صرفه های اقتصادی برآمده از تجمع و نیز صرفه های خارجی در فعالیت های صنعتی می داند؛ به طوری که افزایش بازده مانع توسعه مناطق فقیر می شود و مناطق غنی به دلیل آثار مقیاس از انحصار بالقوه صنعتی برخوردارند. رابطه تبادل همیشه به نفع مناطق غنی خواهد بود و به سبب بازده فزاینده، نرخ رشد بهره وری در این مناطق بیشتر است. در نتیجه دستمزدهای کارآمد (نسبت دستمزد پولی به بهره وری) کاهش می یابد و این موضوع موجب رشد سریع تر تولید در مناطق غنی خواهد شد (صرافی، ۱۳۷۷).

نظریه های مذکور فرایند نابرابری های فزاینده یا کاهنده منطقه ای را از طریق شوک ها و محرک های برونزا یا از راه عدم تعادل قیمت ها در بین عوامل تولید منطقه ای توجیه و تفسیر می کنند. در عین حال، همه آنها می توانند مسیر کاهنده و هم گرایی نابرابری منطقه ای را به عنوان نتیجه درونزا توضیح دهند و توجیه کنند؛ اما هیچ کدام نمی توانند فرایند افزایش نابرابری ایجاد شده در برخی اقتصادها را که پس از مسیر کاهش نابرابری به طور درونزا فرایند افزایش مجدد داشته اند، توجیه و تحلیل کنند. بنابراین هر کدام تلاش کرده اند تا مسیر مجدد نابرابری را به طور برونزا توضیح دهند و آن را به عواملی مانند بروز شوک های عرضه، بحران انرژی و... در اقتصاد نسبت دهند.

روش های گوناگونی برای تحلیل شاخص های منطقه ای وجود دارد که استفاده از آنها مستلزم آمار و اطلاعات دقیق از منطقه است. یکی از این روش ها تحلیل اقتصاد پایه و روش

5. Hirschman

6. Kaldor

انتقال سهم است.

مهرگان، موسایی و رضایی (۱۳۹۰) در مقاله «تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال سهم» تحولات رخ داده در اشتغال زنان ایرانی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که با گذشت زمان ساختار نیروی کار زنان در ایران تغییرات اساسی داشته است؛ به طوری که طی دوره‌های مورد بررسی، رشد شاغلان زن کشور بیشتر از سهم کشور از رشد منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) بوده است. این رشد نامتناسب به دلیل رشد رقابتی و ساختاری مثبت موجود است؛ یعنی طی دوره مذکور، رشد و تحرک فعالیت‌های زنان در اقتصاد ایران مثبت بوده و همچنین نسبت به منطقه منا مزایای رقابتی وجود داشته است؛ به گونه‌ای که در مجموع به علت مزایای نسبی و رقابتی موجود در جذب زنان به عنوان نیروی کار، اشتغال زنان در کشور از سطح مورد انتظار پیشی گرفته است.

کیهانی حکمت و فتحی‌پور (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تحولات اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش‌های عمده اقتصادی با استفاده از تحلیل انتقال سهم» به بررسی تحولات اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که بخش‌های کشاورزی، معدن، آب و برق، خدمات مالی، هتل و رستوران، حمل‌ونقل، مستغلات و خدمات عمومی از میان یازده بخش عمده فعالیت شاغلان با تحصیلات عالی دارای انتقال ساختاری مثبت است و تمام یازده بخش عمده فعالیت دارای انتقال رقابتی مثبت است. بنابراین انتظار می‌رود در آینده این بخش‌ها نقش بسیار مهمی در اشتغال دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی داشته باشند.

سپهردوست و باروتی (۱۳۹۳) در مقاله «تحولات اشتغال در استان لرستان با روش تحلیلی انتقال سهم» واکاوی تحولات اشتغال در استان لرستان را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند. هدف این مطالعه تحلیل وضعیت اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی استان لرستان طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ است. نویسندگان برای این منظور از داده‌های مربوط به نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ استفاده کرده‌اند تا با به کارگیری دو مدل اقتصاد پایه و تغییر سهم، به بررسی علل رشد متناسب یا نامتناسب شاغلان استان لرستان نسبت به کل کشور (اقتصاد مرجع) و همچنین تشخیص بخش‌های دارای مزیت نسبی و قدرت رقابتی استان بپردازند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده نامتناسب بودن وضعیت رشد شاغلان استان لرستان نسبت به شاغلان کشور در دوره مورد بررسی است؛ به طوری که مدل تحلیل تغییر سهم علت این عدم تناسب را تغییرات رقابتی و ساختاری منفی بیان می‌کند.

بنجیامین^۲ (۱۹۹۲) با حجم نمونه‌ای معادل ۴۱۱۷ نفر از خانوارهای کشاورزی در روستاهای اندونزی به ورود تقاضای نیروی کار کشاورزی پرداخته و به این نتیجه رسیده که مؤلفه‌های سطح

7. Benjamin

زیرکشت به نهاده‌ها، اندازه، خانوار، دستمزد، ضریب پوشش تحصیلی، سطح آموزش و آب‌وهوا در اشتغال‌زایی مؤثر است سیفرید^۸ (۱۹۹۶) با استفاده از مدل انتقال سهم، رقابت اقتصادی ایالات جنوبی آمریکا را با هم مقایسه کرده است. گروبار^۹ (۱۹۹۶) در مقاله خود دو منطقه را که از جهت اقتصادی تقریباً یکسان هستند، بررسی کرده است. وی با کمک تحلیل انتقال سهم مشخص کرده که بیشترین اثر در اختلاف دو منطقه از نظر ارزش افزوده ناشی از اختلاف در ترکیب صنعتی در منطقه بوده است. بر این اساس، نویسنده صنایع را به دو دسته پایه و محلی تقسیم می‌کند و در تحلیل‌ها به این نکته دست می‌یابد که ترکیب صنعتی در منطقه‌ای رشد بهتری داشته که صنایع پایه‌ای بیشتری را دارا بوده است. هانهم^{۱۰} (۲۰۰۰) نیز تلاش کرد با استفاده از این مدل، تغییرات ساختاری در اشتغال صنعت کشور ژاپن را طی دوره ۱۹۹۵ تا ۱۹۸۱ م تحلیل کند. چندران، ویرا و کاروناگوران^{۱۱} (۲۰۰۴) نیز تلاش کردند تا از این مدل در تجارت بین‌الملل استفاده کنند. آنان در این مطالعه شکل تعدیل‌شده‌ای از مدل را به کار بردند تا اثر ترکیب صادراتی و بازارهای صادراتی را بر میزان صادرات مالزی طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ م بررسی کنند.

روزندو و ادموندا^{۱۲} (۲۰۰۷) در موضوعی با عنوان تجزیه و تحلیل تغییر سهم روی رشد اشتغال منطقه‌ای دوازده منطقه، رشد اشتغال گروه‌های صنعتی کشور فیلیپین را محور بحث و بررسی خود قرار دادند. آنان در نهایت سهم رشد ملی و ترکیب صنعتی در تمام مناطق و اثر رقابتی آن را محاسبه کردند. شی^{۱۳} و دیگران (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به تجزیه و تحلیل رقابت توریسم بین‌الملل با استفاده از تحلیل تغییر سهم در طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ م برای استان جیانگسو^{۱۴} (یکی از استان‌های چین) پرداختند. طبق نتایج، رشد توریسم بین‌الملل در جیانگسو به‌طور اساسی به بخش رشد ملی و بخش رقابتی (هر دو مثبت) آن نسبت داده می‌شود. جمریس، فیگاردو و وودوارد^{۱۵} (۲۰۰۹) پس از آزمون داده‌های به‌دست‌آمده با روش ضریب مکانی (LQ) به این نتیجه رسیدند که این مدل داده‌های باارزشی را حاصل می‌کند. بنابراین با استفاده از آن به بررسی وضعیت صنایع کارخانه‌ای آمریکا پرداختند.

جونز^{۱۶} (۲۰۱۲) تغییرات در اشتغال منطقه‌ای انگلستان را در دوره اداره کار جدید در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۱۰ م بررسی کرده است. وی از تحلیل داده‌های استخدامی در محل کار براساس صنعت

-
8. Syfried
 9. Grobar
 10. Hanham
 11. Chandran, Veera & Karunagaran
 12. Rosendo & Edmundo
 13. Shi
 14. Jiansu
 15. Guimaraes, Figueiredo & Woodward
 16. Jones

و زیرمجموعه استفاده کرده و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که تغییرات منطقه‌ای بسیاری در رشد اشتغال در استان‌ها وجود دارد.

لو^{۱۷} (۲۰۱۶) با توجه به شانزده منطقه اصلی تولید شیلات در چین و با تکیه بر روش تحلیل انتقال سهم به بررسی ساختار صنعتی شیلات و رابطه رشد اقتصادی صنعت ماهی‌گیری و ساختار صنعتی ماهی‌گیری در طول دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳م پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد چهار نوع ساختار صنعتی منطقه‌ای در صنعت شیلات در چین وجود دارد. تمام سه بخش تولید ماهی، پرورش ماهی (تولید) و بازاریابی ماهی (توزیع) با پتانسیل زیادی برای ترویج رشد ملی صنعت ماهی‌گیری، به‌ویژه در دو سال گذشته، پدید آمده است. عواملی از ترکیب صنعت و موقعیت رقابتی تأثیرات چشمگیری در رشد صنعت ماهی‌گیری در مناطق تولید اصلی این صنعت دارد. این مطالعه یکی از تحقیقات جامع درباره وضعیت ساختار صنعتی ماهی‌گیری منطقه‌ای و رقابت صنعت ماهی‌گیری منطقه‌ای در چین است.

۳. روش تحقیق

برای بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصاد منطقه‌ای روش‌هایی مانند داده ستانده، رگرسیونی، تحلیل انتقال سهم، ضریب مکانی و نظایر آن معرفی شده‌اند؛ اما به‌دلیل محدودیت اطلاعات، استفاده از مدل‌های رگرسیونی و داده ستانده چندان آسان نیست؛ درحالی که با استفاده از مدل تحلیلی انتقال سهم می‌توان برپایه یک متغیر توضیحی مشخص مانند ارزش‌افزوده، تولید، اشتغال و مانند آن برای دو دوره زمانی مشخص، رشد یک منطقه را با رشد مناطق دیگر یا رشد ملی مقایسه کرد. ادگار^{۱۸} (۱۹۶۰) از این مدل برای تحلیل‌های منطقه‌ای استفاده کرد. با تفسیر این مدل می‌توان مزیت‌های اقتصادی منطقه و بخش‌های دارای ظرفیت رشد بالقوه را شناسایی کرد (Dinc, 2002). مدل انتقال سهم رشد منطقه را به سه مؤلفه تفکیک می‌کند (Seyfried, 1996):

$$ns_i^{t+1} = e_i^{t-1} \left(\frac{E^t}{E^{t-1}} - 1 \right) \quad (1) \text{ مؤلفه سهم ملی}^{19}$$

$$IM_i^{t+1} = e_i^{t-1} \left(\frac{E_i^t}{E_i^{t-1}} - \frac{E^t}{E^{t-1}} \right) \quad (2) \text{ مؤلفه ساختار صنعتی}^{20}$$

17. Lu

18. Edgar

19. National share

20. Industrial mix

$$RS_i^{t+1} = e_i^{t+1} \left(\frac{e_i^t}{e_i^{t-1}} - \frac{E_i^t}{E_i^{t-1}} \right) \quad (۳) \text{ مؤلفه سهم منطقه‌ای (رقابتی)}^{۲۱}$$

$$TS_i^{t+1} = NS_i^{t+1} + IM_i^{t+1} + RS_i^{t+1} \quad (۴) \text{ انتقال کل}^{۲۲}$$

که در این روابط:

e_i : ارزش افزوده استان در بخش i

E_i : ارزش افزوده کشور در بخش i

E : جمع کل ارزش افزوده کشور

$t-1$: سال آغازین دوره (۱۳۷۹)

t : سال پایانی دوره (۱۳۹۲)

پیش‌بینی ارزش افزوده دوره بعد:

ارزش افزوده دوره بعد = کل ارزش افزوده سال پایه (۱۳۷۹) + ارزش افزوده در فعالیت i سال پایه × (رشد اثر ملی + رشد اثر ساختاری + رشد اثر منطقه‌ای)

الف. اثر رشد ملی (سهم ملی)

اثر رشد ملی افزایش در تولید ناخالص داخلی منطقه را، به شرط افزایش یافتن فعالیت‌های منطقه با همان متوسط نرخ ملی، نشان می‌دهد (*ibid.*). از آنجا که رشد تولید ملی به‌طور معمول در حال افزایش است، جزء رشد ملی مثبت خواهد بود؛ به این معنا که هرگاه تولید در منطقه مرجع (کشور) در حال افزایش باشد در نتیجه، اگر منطقه با همان مقدار رشد ملی رشد یابد، پیش‌بینی می‌شود تولید در منطقه نیز افزایش یابد. بنابراین اگر تولید در کل کشور افزایش یا کاهش یابد، پیش‌بینی می‌شود این موضوع آثار مشابه مثبت یا منفی بر رشد تولید منطقه داشته باشد.

ب. اثر ترکیب صنعتی

جزء ترکیب صنعتی اثر ترکیب فعالیت‌های منطقه را مورد توجه قرار می‌دهد. این جزء به‌منظور تشخیص صناعی به‌کار می‌رود که بیشترین رشد را در اقتصاد دارند. این اثر به این معناست که ترکیب صنعتی منطقه به‌شکلی است که سهم بیشتری در صناعی داشته است که از میزان

21. Regional share

22. Total shift

رشد ملی بالاتری برخوردارند. اثر ترکیب صنعتی منفی بیانگر آن است که ترکیب صنعتی منطقه به‌صورتی است که سهم کمتری در صنایعی داشته است که از مقدار رشد ملی بالاتری برخوردارند. بنابراین مؤلفه ترکیب صنعتی به دو عامل سهم هر فعالیت در اقتصاد هر منطقه و نحوه عملکرد هر فعالیت در سطح ملی در مقایسه با عملکرد کلی اقتصاد کشور بستگی دارد.

ج. اثر سهم رقابتی (منطقه‌ای)

اثر سهم رقابتی رشد ناشی از ویژگی‌های منطقه یا استان مربوط است. این ویژگی‌ها مربوط به امتیازهای ویژه هر استان، شامل خصوصیات جغرافیایی، منابع طبیعی و موقعیت سیاسی اقتصادی است. این جزء به‌نحوی قدرت رقابت بهتر و امتیازات مکانی بهتر یک منطقه را نسبت به سایر مناطق نشان می‌دهد. این جزء می‌تواند به تصمیم‌گیران منطقه‌ای برای تشخیص صنایعی که منطقه در آن‌ها مزیت دارد و تشخیص این موضوع که آیا مزیت رقابتی منطقه در مسیر رشد اقتصاد منطقه حرکت می‌کند یا خیر، کمک کند. سهم رقابتی مثبت بیان‌کننده مزیت نسبی یک منطقه در یک بخش اقتصادی خاص است.

سهم رقابتی مثبت همراه با ترکیب صنعتی مثبت بیانگر آن است که مزیت نسبی بالقوه در رشد صنایع منطقه وجود دارد و می‌تواند رشد بالقوه‌ای برای اقتصاد منطقه باشد. یک سهم رقابتی منفی در یک صنعت همراه با ترکیب صنعتی مثبت در همان صنعت نشان می‌دهد منطقه در حال ازدست دادن مزیت نسبی‌اش در صنعتی است که در چشم‌انداز رشد منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بنابراین ممکن است چشم‌انداز رشد بلندمدت صنایع با سهم رقابتی منفی در حال کاهش باشد.

۳-۱. تجزیه و تحلیل وضعیت تولید در فعالیت‌های عمده اقتصادی استان‌ها با استفاده از روش انتقال سهم

برای تحلیل وضعیت تولید در فعالیت‌های عمده اقتصادی در استان‌های کشور، در این بخش با استفاده از روش انتقال سهم، تولید فعالیت‌های عمده اقتصادی استان‌ها در مقایسه با کل کشور طی دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ تجزیه و تحلیل شده است. ذکر این نکته لازم است که در سال ۱۳۷۹ به‌دلیل اینکه هنوز استان‌های البرز، خراسان جنوبی و شمالی تشکیل نشده بود، اطلاعات آماری آن‌ها به‌ترتیب در استان‌های تهران و خراسان رضوی ادغام شده است. ابتدا در نرم‌افزار اکسل به تفکیک هر استان یک ماتریس اطلاعات آماری با پانزده سطر (پانزده بخش اقتصادی در هر استان) و چهار ستون (اطلاعات مربوط به تولید ناخالص داخلی کشور و استان به تفکیک سال ۱۳۷۹ و ۱۳۹۲) تشکیل شد. سپس براساس فرمول ۱ تا ۴ بخش روش تحقیق، اثر ملی، ساختاری و منطقه‌ای برای ۲۸ استان محاسبه گردید. چنانچه مقدار عددی اثربخشی و منطقه‌ای برای هر بخش به تفکیک ۲۸ استان مثبت به‌دست آمده باشد، آن بخش در استان

مربوطه مزیت بالقوه برای رشد خواهد بود. چنانچه مقدار عددی اثربخشی و اثر منطقه‌ای منفی باشد، آن بخش در استان مربوطه بازنده اقتصادی است. اگر مقدار عددی اثربخشی مثبت باشد، ولی اثر منطقه‌ای منفی باشد، آن بخش در استان مربوطه بازنده اقتصادی خواهد بود و در نهایت اگر اثربخشی منفی ولی اثر منطقه‌ای مثبت باشد، آن بخش در استان برنده مختلط اقتصادی است که نتایج نهایی اجزای تحلیل انتقال سهم برای بخش‌های پانزده‌گانه اقتصادی کشور در جداول ۱ تا ۵ نشان داده شده است.

جدول ۱. ساختار تولید پنج بخش اول اقتصادی استان‌های ایران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۲

استان	تأمین آب و برق و گاز طبیعی	صنعت	معدن	ماهی‌گیری	کشاورزی
آذربایجان شرقی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی
آذربایجان غربی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	بخش برنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
اردبیل	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
اصفهان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی
ایلام	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
بوشهر	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
تهران	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
چهارمحال و بختیاری	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
خراسان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
خوزستان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی
زنجان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
سمنان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی
سیستان و بلوچستان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد

استان	تأمین آب و برق و گاز طبیعی	صنعت	معادن	ماهی‌گیری	کشاورزی
فارس	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
قزوین	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی
قم	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی
کردستان	مزیت بالقوه برای رشد	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
کرمان	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی
کرمانشاه	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی
کهگیلویه و بویراحمد	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
گلستان	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی
گیلان	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی
لرستان	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
مازندران	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازندهٔ اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
مرکزی	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
هرمزگان	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
همدان	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بازندهٔ مختلط اقتصادی	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
یزد	بخش بازندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برندهٔ مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد

(منبع: یافته‌های تحقیق)

با محاسبه اجزای تحلیل انتقال سهم برای بخش های پانزده گانه مهم اقتصادی مشاهده می شود اثر سهم ملی برای هریک از بخش های عمده اقتصادی استان های کشور مثبت است.

در بخش کشاورزی، اثر ترکیب صنعتی (ساختاری) و رقابتی همه استان ها، به جز آذربایجان شرقی، اصفهان، خوزستان، سمنان، قزوین، قم، کرمان، کرمانشاه، گلستان و گیلان، مثبت است و این موضوع بدین معناست که ترکیب ساختاری در بخش مذکور به نحوی است که در آن بخش هایی سهم بیشتر داشته است که از میزان رشد ملی بالاتری برخوردارند. در بخش صنعت، اثر ترکیب صنعتی (ساختاری) و رقابتی استان های اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کرمانشاه، گلستان، مازندران، هرمزگان و یزد در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار داشته و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در این استان ها حاکی از مزیت نسبی آن ها در بخش صنعت است؛ ولی بقیه استان ها بازنده مختلط اقتصادی بوده اند و سهم رقابتی منفی این استان ها نشان می دهد اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق در حال ازدست دادن است.

جدول ۲. ساختار تولید پنج بخش دوم عمده اقتصادی استان های ایران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۲

استان	واسطه گری مالی	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	هتل و رستوران	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای	ساختمان
آذربایجان شرقی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
آذربایجان غربی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
اردبیل	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
اصفهان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
ایلام	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی

استان	واسطه‌گری مالی	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	هتل و رستوران	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای	ساختمان
بوشهر	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی
تهران	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
چهارمحال و بختیاری	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
خراسان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
خوزستان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی
زنجان	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
سمنان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
سیستان و بلوچستان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی
فارس	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
قزوین	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
قم	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
کردستان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
کرمان	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی

استان	واسطه‌گری مالی	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	هتل و رستوران	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	ساختمان
کرمانشاه	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی
کهگیلویه و بویراحمد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی
گلستان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
گیلان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی
لرستان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی
مازندران	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی	بخش بازنده مختلط اقتصادی
مرکزی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی
هرمزگان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی
همدان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد
یزد	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط اقتصادی

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در بخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها همه استان‌ها به جز آذربایجان شرقی، بوشهر، خراسان، خوزستان، قزوین، قم، کرمان، گلستان، گیلان، لرستان و مازندران، در بخش هتل و رستوران استان‌های تهران، خراسان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، مرکزی، همدان و یزد، و در بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات استان‌های اردبیل، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، زنجان، فارس، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و مرکزی اثر سهم منطقه‌ای و ساری مثبت است و

بیان‌کننده مزیت نسبی منطقه در این بخش‌هاست. بنابراین استان‌های مذکور طی دوره مورد مطالعه در مقایسه با دیگر مناطق از مزیت نسبی و رقابت‌پذیری برخوردارند و نسبت به متوسط کل کشور عملکرد مناسب‌تری داشته‌اند. در بخش‌هایی که سهم رقابتی مثبت با ترکیب صنعتی مثبت همراه شده، مزیت نسبی بالقوه در رشد این بخش‌های منطقه را بیان می‌کند که می‌تواند رشد بالقوه‌ای برای اقتصاد منطقه به‌همراه داشته باشد.

جدول ۳. ساختار تولید پنج بخش سوم عمده اقتصادی استان‌های ایران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۲

استان	سایر خدمات	بهداشت و مددکاری	آموزش	اداره امور عمومی	مستغلات، کرایه
آذربایجان شرقی	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه	بازنده اقتصادی	برنده مختلط	بازنده مختلط
آذربایجان غربی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط اقتصادی	برنده مختلط	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط
اردبیل	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	بخش بازنده مختلط
اصفهان	بازنده مختلط	مزیت بالقوه	بخش بازنده	بخش برنده مختلط	مزیت بالقوه
ایلام	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط
بوشهر	بخش بازنده مختلط	مزیت بالقوه برای رشد	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	مزیت بالقوه برای رشد
تهران	مزیت بالقوه برای رشد	بخش بازنده مختلط	بخش بازنده	بخش بازنده	مزیت بالقوه
چهارمحال و بختیاری	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه	بخش بازنده	بخش برنده مختلط	بخش بازنده مختلط
خراسان	بخش بازنده مختلط	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	مزیت بالقوه برای
خوزستان	بخش بازنده مختلط	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	بخش بازنده مختلط
زنجان	بخش بازنده مختلط	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	بخش بازنده مختلط

استان	سایر خدمات	بهداشت و مددکاری	آموزش	اداره امور عمومی	مستغلات، کرایه
سمنان	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه	بخش بازنده	بخش بازنده	بخش بازنده مختلط
سیستان و بلوچستان	بخش بازنده مختلط	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	بخش بازنده مختلط
فارس	بخش بازنده مختلط	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط	بخش بازنده	بخش بازنده مختلط
قزوین	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط اقتصادی	بخش برنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد
قم	بخش بازنده مختلط	بخش بازنده مختلط	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	بخش بازنده مختلط
کردستان	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده مختلط	برنده مختلط	برنده مختلط	بازنده مختلط
کرمان	بخش بازنده مختلط	مزیت بالقوه	بخش برنده مختلط	بخش برنده مختلط	بخش بازنده مختلط
کرمانشاه	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	برنده مختلط	برنده مختلط	مزیت بالقوه
کهگیلویه و بویراحمد	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای	بازنده اقتصادی	برنده مختلط	بازنده مختلط
گلستان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه
گیلان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط	بخش بازنده	برنده مختلط	مزیت بالقوه
لرستان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه	برنده مختلط	برنده مختلط	بازنده مختلط
مازندران	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط	بازنده اقتصادی	برنده مختلط	بازنده مختلط
مرکزی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط	بازنده اقتصادی	برنده مختلط	بازنده مختلط

استان	سایر خدمات	بهداشت و مددکاری	آموزش	اداره امور عمومی	مستغلات، کرایه
هرمزگان	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه	برنده مختلط	برنده مختلط	بازنده مختلط
همدان	بازنده مختلط اقتصادی	مزیت بالقوه	برنده مختلط	برنده مختلط	مزیت بالقوه
یزد	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	برنده مختلط	برنده مختلط	بازنده مختلط

فصلنامه سیاست‌های راهبردی وکلان

(منبع: یافته‌های تحقیق)

در بخش مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار به‌جز استان‌های اصفهان، بوشهر، تهران، خراسان، قزوین، کرمانشاه، گلستان، گیلان و همدان، استان‌های دیگر در این بخش دارای جزء منطقه‌ای منفی با یک ساختار صنعتی مثبت‌اند که نشان می‌دهد مناطق درحال از دست دادن مزیت نسبی‌شان در بخشی هستند که در چشم‌انداز رشد منطقه اهمیت ویژه‌ای داشته است. بنابراین در این بخش‌ها باید سیاست‌گذاران دولتی و محلی استراتژی‌های جدیدی را برای بهبود مزیت نسبی منطقه و بازیابی مجدد سهم رقابتی منطقه ارائه کنند.

برخی از استان‌ها دارای یک اثر منفی در ساختار صنعتی به‌همراه یک اثر منفی منطقه‌ای هستند که بیان می‌کند آن مناطق در بخشی که از رشد ملی خوبی برخوردار است، مزیت ندارند و به این بخش بازنده اقتصادی می‌گویند که به‌زودی رشد آن در تولید منطقه کاهش می‌یابد. در بخش آموزش، استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، سمنان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان و مرکزی، و در بخش اداره عمومی و خدمات شهری استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، تهران و سمنان دارای چنین ویژگی هستند؛ اما به‌دلیل سهم چشمگیر آن‌ها در اقتصاد هر استان، ریشه‌یابی دلایل عملکرد نامناسب آن‌ها ضرورتی گریزناپذیر است.

به‌منظور پیش‌بینی ارزش‌افزوده برای سال ۱۴۰۶ از فرمول زیر استفاده می‌شود:

ارزش‌افزوده دوره بعد = کل ارزش‌افزوده سال پایه (۱۳۷۹) + ارزش‌افزوده در فعالیت I سال پایه × (رشد اثر ملی + رشد اثر ساختاری + رشد اثر منطقه‌ای)

نتایج پیش‌بینی ارزش‌افزوده به تفکیک ۲۸ استان براساس فعالیت‌های پانزده‌گانه در افق ۱۴۰۶ به شرح زیر است:

جدول ۴. پیش بینی ارزش افزوده پنج بخش اول عمده اقتصادی در افق ۱۴۰۶ میلیون ریال

کشاورزی	ماهی گیری	معادن	صنعت	تأمین آب و برق و گاز طبیعی	استان
۸۵۲۸۹۱۷۲۸	۲۱۶۶۷۵۴۱.۸۱	۲۵۳۹۴۶۷۸۴.۲	۹۸۴۲۷۵۵۸۰	۱۴۶۰۷۲۸۱۷۲	آذربایجان شرقی
۹۴۵۲۸۰۲۹۶	۱۴۱۵۳۹۲۶.۵۱	۴۵۵۶۲۴۵۳.۶۹	۱۹۰۰۷۴۴۶۹	۸۷۴۶۳۹۰۱۰.۹	آذربایجان غربی
۶۴۷۰۹۶۹۳۳	۱۳۶۲۰۴۲۶.۵۲	۱۵۰۹۴۴۷.۶۲۱	۸۹۰۹۰۸۵۰.۳	۳۷۸۵۶۴۹۴۰.۷	اردبیل
۷۵۸۳۲۷۷۸۷	۲۰۰۲۶۷۲۹۶.۶	۴۳۲۷۳۲۸۳.۰۳	۴۳۲۲۵۲۹۶۶۶	۳۲۱۸۳۹۹۳۹۶	اصفهان
۲۷۸۲۹۰۸۴۲	۱۵۸۴۴۵۱۵.۸۴	۹۷۳۰۸۴۶۲۸.۲	۴۵۸۲۱۱۶۷.۲	۲۴۹۱۷۳۱۶۶.۸	ایلام
۶۹۰۳۶۶۱۹۹	۵۷۷۷۳۴۷۹.۱۸	۷۳۱۰۷۸۱۷۵۱	۱.۳۳۶E+۱۰	۹۵۰۰۱۵۹۸۴۲۴	بوشهر
۱۱۶۲۴۲۲۹۶۴	۲۹۳۷۱۰۲۶.۲۷	۶۳۵۹۹۳۹۵.۹۳	۳۹۲۳۲۱۰۷۳۹	۳۸۱۰۱۰۷۳۷۱	تهران
۳۵۱۷۰۹۹۱۰	۱۰۲۱۳۳۹۸۱.۲	۸۳۴۶۶۳۸۸۷۶	۱۵۷۳۸۶۱۳۹	۱۶۱۳۴۲۳۳۹.۲	چهارمحال و بختیاری
۲۰۴۰۶۲۰۴۰۲	۵۳۹۶۲۰۶۹.۴۹	۱۵۰۸۷۶۲۲۱.۱	۷۵۱۲۸۱۸۰۴	۲۹۲۹۰۸۴۱۳۷	خراسان
۱۰۵۷۵۰۸۰۱۲	۹۷۴۱۷۷۴۴.۶۷	۴۶۷۳۷۴۸۲۵۶	۳۱۹۷۳۳۴۳۱۰	۲۶۷۴۵۷۴۸۴۴	خوزستان
۴۳۶۵۴۲۵۴۸	۸۵۱۵۸۸۴۹.۹۵	۲۶۸۶۸۲۸۳.۱	۲۴۳۴۵۹۸۸۶	۱۶۸۵۲۵۰۲۵.۲	زنجان
۲۵۹۱۰۹۹۷۱	۵۴۵۸۰۴۶.۵۹۵	۵۳۲۶۵۹۷۰.۳۵۷	۶۱۶۴۸۶۸۴۲	۲۴۴۲۸۶۲۳۹.۱	سمنان

استان	تأمین آب و برق و گاز طبیعی	صنعت	معادن	ماهی‌گیری	کشاورزی
سیستان و بلوچستان	۱۴۶۵۲۵۹۹۷.۵	۱۲۴۷۰۶۱۴۸	۶۴۲۸۷۰۶۸۴۸	۴۰۸۲۴۹۷۷۸.۴	۵۸۵۲۶۶۵۶۲
فارس	۳۹۱۷۱۹۱۰۷۱	۸۶۶۲۷۸۱۵۲	۳۰۳۵۱۹۳۳۹.۵	۳۶۷۵۶۳۲۸.۴۶	۱۹۳۱۷۳۵۱۳۹
قزوین	۳۸۰۲۵۲۸۰۵.۹	۷۲۰۰۱۲۱۲۰	۲۱۲۰۷۵۲.۷۴۵	۱۴۷۶۴۱۹۴۲.۳	۳۷۰۱۳۸۸۱۰
قم	۴۸۵۴۱۳۲۲۲.۴	۳۶۹۴۸۶۴۳۲	۳۶۵۱۳۳۹.۰۲۴	۲۰۴۸۶۰۷۶.۳۳	۱۲۲۵۹۸۲۸۸
کردستان	۷۴۹۰۲۷۶۱۱.۵	۶۵۰۶۳۸۱۴.۶	۹۶۱۷۱۴۴۹.۲۲	۲۲۲۰۵۱۱۱.۹۲	۶۴۷۲۴۵۲۸۵
کرمان	۴۵۱۴۱۰۲۳۷.۹	۷۲۹۸۶۵۸۰.۳	۲۱۶۰۶۶۷۶۲.۵	۱۰۰۷۰۷۹۸.۱۷	۱۱۳۰۷۹۶۹۲۲
کرمانشاه	۱۴۷۱۸۴۶۳۴۳	۴۷۴۶۵۳۳۵۵	۴۶۳۴۷۶۵.۶۶۴	۳۳۱۹۴۱۶۸۳.۵	۳۵۹۰۸۴۶۳۵
کهگیلویه و بویراحمد	۵۶۳۷۰۰۰۶.۵۹	۲۵۹۱۸۴۷۶.۹	۴۵۷۸۸۳۷۸.۴۴	۱۶۲۵۵۶۴۷۶	۲۲۹۸۲۴۰۷۵
گلستان	۵۲۰۵۴۹۷۵۷.۵	۱۵۲۳۴۵۱۶۵	۱۰۰۹۴۷۰۳۴.۲۵	۴۹۸۵۹۰۵.۲۲	۴۶۸۲۴۱۳۱۰
گیلان	۳۳۶۰۳۹۷۹۷	۳۳۹۱۶۵۲۲۳	۲۰۰۳۵۹۴.۴۵۹	۲۶۵۸۱۷۹۶۹.۳۵	۶۲۹۹۷۷۳۴۲
لرستان	۱۵۹۳۴۹۹۰۷.۴	۹۸۴۶۹۷۹۵.۸	۲۱۹۰۱۹۸.۲۴۷	۱۴۵۴۸۳۷۸۴.۷	۶۲۳۳۰۲۸۸۷
مازندران	۳۸۳۸۸۰۳۶۰.۳	۶۳۷۲۵۳۹۱۶	۳۲۶۸۵۵۱.۶۲۲	۷۱۲۴۶۸۳۹۸.۹	۲۱۴۹۹۱۹۳۷۴



استان	تأمین آب و برق و گاز طبیعی	صنعت	معادن	ماهی‌گیری	کشاورزی
مرکزی	۲۸۵۶۷۶۸۷۱	۹۴۹۲۵۱۹۳۶	۸۹۴۵۹۹۹۷۰۴۶	۴۹۹۶۵۵۶۷۰۶۹	۴۹۱۳۱۴۱۶۴
هرمزگان	۲۶۸۸۵۰۹۶۸۶	۲۷۳۰۶۵۲۱۰۴	۱۱۹۵۹۶۹۳۷۰۵	۱۰۴۳۴۷۴۶۴۰۵	۴۴۵۷۸۷۲۲۷
همدان	۳۳۷۴۲۰۰۸۵۰۵	۲۱۸۲۳۳۹۴۲	۲۳۶۶۹۱۹۰۶۵	۵۸۶۹۹۱۷۱۸۶	۸۰۶۱۴۰۲۷۵
یزد	۵۳۶۸۷۳۸۷۶	۹۶۳۳۸۰۵۰۱	۱۸۳۰۸۱۳۴۰۰	۵۸۹۹۷۵۲۸۹۱	۷۷۶۷۴۸۳۲۴

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

جدول ۵. پیش‌بینی ارزش‌افزوده پنج بخش دوم عمده اقتصادی در افق ۱۴۰۶ میلیون ریال

استان	واسطه‌گری مالی	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات	هتل و رستوران	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	ساختمان
آذربایجان شرقی	۷۵۵۴۳۵۶۸۰۱۷	۳۴۷۵۶۰۷۲۸۰۳	۴۶۲۳۵۷۳۲۰۲۶	۵۴۱۰۶۱۱۱۹۰۳	۴۸۹۹۱۵۴۵۸۰۸
آذربایجان غربی	۵۹۱۲۶۷۲۵۰۴	۳۲۱۱۶۰۱۹۷۰۹	۴۵۴۲۸۷۹۸۰۲۴	۵۹۵۸۷۳۰۳۰۰۳	۵۴۷۰۳۴۳۸۱۰۹
اردبیل	۳۰۶۵۴۶۴۵۰۷۱	۱۱۷۵۵۶۵۰۷۰۳	۳۹۹۷۴۹۴۷۰۱۱	۵۱۵۷۰۹۱۵۸۰۶	۱۳۹۳۶۱۰۷۲۰۳
اصفهان	۱۴۴۲۲۶۲۸۳۰۵	۶۳۸۵۰۷۷۸۴۰۸	۸۵۱۶۶۰۵۰۰۱۱	۲۱۰۳۳۹۹۶۵۱	۸۲۲۱۶۲۹۳۶
ایلام	۱۱۹۴۵۷۴۱۰۳۶	۳۴۵۳۳۰۲۰۰۷	۴۰۷۲۵۹۹۰۷۱۹	۱۲۲۴۶۲۳۳۱۰۲	۲۵۰۰۵۴۸۵۰۴۷
بوشهر	۲۲۷۱۸۲۴۵۰۲	۳۰۷۷۸۵۳۳۳	۱۲۹۷۹۱۴۹۰۷۷	۱۵۰۲۲۳۸۴۰۰۶	۵۱۱۷۳۰۷۳۰۰۹
تهران	۲۹۹۲۲۷۸۵۳۶	۷۲۳۰۰۸۰۸۸۸	۶۰۰۹۰۸۲۱۵۰۶	۷۹۳۴۷۴۵۸۰۰۵	۲۴۳۲۶۸۹۹۸۳

استان	واسطه‌گری مالی	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	هتل و رستوران	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	ساختمان
چهارمحال و بختیاری	۱۱۹۵۷۷۴۸.۵۸	۸۶۳۶۵۶۴۵.۶۱	۴۳۱۱۷۱۹.۴۲۲	۲۲۵۱۴۹۷۴۴.۹	۸۸۶۹۱۵۹۵.۸۲
خراسان	۱۴۲۸۷۹۹۸۰.۴	۷۵۵۹۴۵۹۳۶.۴	۲۶۰۰۷۹۰۱۴.۸	۱۷۸۸۸۸۶۰۱۲۸	۸۹۰۷۹۲۴۶۲.۱
خوزستان	۷۱۸۴۱۲۶۳.۷۸	۵۸۲۷۵۴۴۹۱.۹	۵۷۰۷۸۹۹۲.۶۴	۶۰۱۷۶۳۴۲۶.۴	۱۱۴۶۲۱۴۹۸.۶
زنجان	۲۸۱۴۰۸۱۴.۰۳	۷۶۲۸۸۷۷۶	۱۱۵۸۵۸۶۶.۰۹	۱۹۳۸۸۷۴۸۷.۸	۱۷۷۷۳۵۳۵۷.۶
سمنان	۱۲۳۳۵۹۲۶.۱۱	۱۰۵۱۲۳۶۳۵	۸۴۲۸۳۶۳.۸۹۹	۶۶۷۷۰۶۲۳۳.۳	۲۴۰۸۶۶۱۱۷.۸
سیستان و بلوچستان	۱۹۰۹۳۸۰۵.۶۶	۱۱۳۲۵۸۴۸۵.۶	۱۵۵۹۸۸۹۱.۰۵	۱۰۶۷۵۷۴۹۲۷	۵۹۵۵۹۹۵۳.۴۶
فارس	۷۶۷۹۷۰۹۱.۱۲	۵۱۶۰۵۰۴۹۶.۵	۶۶۸۸۹۸۶۵.۸۲	۱۱۵۲۰۹۱۶۹۴	۶۷۴۶۲۴۱۸.۹
قزوین	۲۹۱۰۸۶۹۹.۹۱	۱۶۶۳۶۸۹۵.۰۳	۲۵۹۳۶۳۳۰	۲۱۷۸۰۸۰۵۶.۹	۲۴۰۷۰۲۵۶۴.۷
قم	۳۶۰۸۹۳۶۴.۷۶	۸۳۶۰۶۷۰۳.۵۴	۱۷۷۷۷۱۴۶.۱۲	۲۰۸۹۷۳۱۲۷	۶۹۸۲۰۰۳۰۶.۹
کردستان	۱۹۰۷۲۹۸۳.۵	۵۱۷۸۶۲۴۳.۸۱	۲۷۵۹۲۷۳۰.۳۷	۳۹۳۲۶۶۲۹.۴	۱۸۵۸۱۱۹۴۱.۳
کرمان	۷۱۷۸۵۱۸۰.۴۹	۲۵۸۱۳۱۰۴۴.۷	۳۲۴۳۸۵۴۶.۳	۴۸۳۶۹۵۹۴۸.۷	۱۰۱۱۶۶۷۵۹.۸
کرمانشاه	۳۹۵۵۰۶۰۶.۹۷	۱۴۴۲۵۳۴۱۵.۹	۱۵۶۴۷۴۹۹.۱۸	۷۳۶۱۱۱۶۰۵.۴	۱۴۰۳۴۷۰۸۲.۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱۲۰۷۶۱۵۰.۹	۲۹۹۱۷۴۴۱.۹۵	۱۱۹۷۱۷۷۵.۷۷	۱۹۷۷۱۰۲۱۳.۷	۱۸۲۸۸۱۱۰.۳۲
گلستان	۲۹۶۰۱۷۸۹.۸۴	۱۴۰۰۶۴۷۵۳.۵	۲۷۱۱۴۴۲۸.۷	۱۹۹۴۸۴۸۸۲.۳	۱۹۲۵۹۷۰۷۴
گیلان	۴۰۱۴۷۳۹۵.۸۱	۲۹۱۵۶۷۱۲۱.۳	۸۹۹۳۸۵۰۴.۸۱	۵۳۰۹۳۷۷۲۰.۸	۲۷۶۷۱۷۹۸۹.۱

استان	واسطه‌گری مالی	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	هتل و رستوران	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	ساختمان
لرستان	۱۷۶۷۲۰۱۹.۲۲	۱۵۰۳۸۸۴۳۶.۹	۱۱۳۹۷۱۶۶.۵۹	۳۹۶۳۸۶۸۸۲.۶	۱۰۵۸۵۱۲۰۹.۶
مازندران	۵۹۹۹۷۰۸۰.۸۶	۵۲۱۴۷۳۹۳۷.۱	۷۰۲۷۰۳۵۱.۶۸	۱۰۰۷۸۳۳۳۹۷	۱۱۹۵۰۰۰۸۳.۵
مرکزی	۳۴۱۱۱۸۳۱.۰۳	۱۴۴۳۲۷۲۳۹	۲۶۱۷۴۷۰۶.۲۹	۹۲۸۴۳۳۴۰.۸۵	۹۸۱۵۶۵۳۵.۸۹
هرمزگان	۴۶۲۹۳۳۱۱.۸۷	۶۳۹۳۲۵۹۵۳.۹	۳۳۸۳۸۳۸۷.۶۹	۳۵۳۳۱۳۶۸۰.۷	۱۵۰۰۰۹۵۴۴.۴
همدان	۲۴۳۲۸۴۵۲	۱۶۳۴۹۰۳۰.۵.۲	۲۴۸۷۹۰۳۳.۴	۴۵۷۰۵۰۲۹۷.۶	۱۶۶۸۱۸۳۴۴.۵
یزد	۴۱۰۸۰۵۹۱.۶۹	۱۶۹۴۲۷۸۲۱.۸	۳۰۶۷۱۴۴۶.۴۹	۱۹۱۴۴۷۸۶۵۱	۹۶۶۴۲۸۷۸.۰۵

جدول ۶. پیش‌بینی ارزش‌افزوده پنج بخش عمده اقتصادی در افق ۱۴۰۶ میلیون ریال

استان	سایر خدمات عمومی، اجتماعی شخصی و خانگی	بهداشت و مددکاری اجتماعی	آموزش	اداره امور عمومی و خدمات شهری	مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار
آذربایجان شرقی	۹۱۰۵۹۳۲۹.۸۵	۲۳۵۵۹۰۹۱۸.۳	۱۴۶۹۳۸۴۸۲.۱	۲۱۵۹۳۱۴۳۵.۲	۲۶۶۰۱۱۳۶۶
آذربایجان غربی	۹۷۵۰۶۸۱۵.۱۴	۱۲۹۴۶۵۷۳۸.۹	۱۱۴۹۷۱۵۷۹.۵	۱۸۸۶۹۵۷۳۰.۶	۲۲۳۲۷۰۸۰۵.۲
اردبیل	۲۸۴۰۸۲۹۵.۸۱	۶۹۱۶۲۶۵۲.۳۳	۵۷۱۲۰۷۰۸.۶۲	۶۴۴۹۸۱۷۸۲.۸۲	۱۱۴۱۸۳۳۷۳.۳
اصفهان	۱۳۹۲۱۱۳۲۰.۹	۳۴۶۸۴۱۸۴۹.۳	۱۵۹۸۱۶۸۴۳.۲	۳۶۴۱۵۶۵۸۴.۶	۱۲۲۷۹۳۸۴۸۸
ایلام	۲۳۸۵۹۳۱۵.۱۵	۵۰۵۶۲۰۵۸.۷	۳۳۶۰۶۱۹۶.۱۸	۳۹۶۴۰۸۸۶.۴۵	۴۳۵۹۴۴۴۸.۳۱

استان	سایر خدمات عمومی، اجتماعی و خانگی	بهداشت و مددکاری اجتماعی	آموزش	اداره امور عمومی و خدمات شهری	مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار
یوشهر	۱۷۰۸۶۲۰۶۴۶	۹۸۹۱۷۰۱۲۶۳	۵۴۵۴۸۵۰۵۶۷	۹۵۶۹۴۱۲۱۷۵	۲۱۱۹۲۴۸۶۲۰۱
تهران	۱۶۰۸۷۲۵۹۵۶	۱۲۸۷۴۴۷۴۴۵	۷۲۸۱۶۴۴۴۲۰۱	۱۲۴۸۴۴۷۱۶۸	۱۱۴۵۱۸۸۲۶۳۷
چهارمحال و بختیاری	۶۰۷۲۹۰۵۲۰۶	۱۱۸۴۴۶۱۴۵۰۲	۳۳۳۵۴۷۴۳۰۷۴	۳۶۵۲۹۷۶۴۰۵۸	۳۶۳۲۲۵۷۶۰۴۴
خراسان	۲۳۸۳۳۵۱۸۳۰۵	۴۵۰۳۶۰۳۶۳۰۲	۳۹۲۷۴۴۸۲۱۰۲	۴۲۰۸۲۴۷۸۱۰۱	۲۰۳۸۸۴۰۶۵۰
خوزستان	۱۰۲۷۱۱۳۷۲۰۲	۳۵۶۴۱۲۹۰۵	۲۰۰۰۹۹۳۶۶۰۷	۳۴۵۲۳۱۱۰۲۰۴	۵۵۹۸۶۴۴۵۵۰۲
زنجان	۲۷۳۶۲۴۹۴۰۰۱	۹۶۳۴۳۵۹۰۰۴۲	۵۴۲۳۶۷۲۹۰۹۸	۶۱۰۸۴۲۸۰۰۶۹	۸۸۹۸۰۵۰۶۸۶
سمنان	۳۵۵۳۳۵۴۰۶۳	۷۲۶۹۱۱۰۶۰۴	۳۳۲۴۷۰۷۲۰۳۸	۵۶۹۵۴۶۸۸۰۰۲	۷۱۳۱۴۰۲۶۰۹۳
سیستان و بلوچستان	۲۸۳۱۵۸۸۵۰۳۸	۱۱۸۵۵۱۷۶۳۰۸	۱۲۹۴۷۵۶۵۸۰۹	۱۱۷۰۳۰۶۸۲۰۹	۱۳۴۷۵۳۱۵۷۰۱
فارس	۱۰۴۸۶۸۳۸۰۳	۳۷۴۲۷۹۸۳۱۰۱	۲۱۹۱۲۷۴۹۰۰۹	۲۲۱۲۹۰۴۳۱۰۱	۸۸۹۳۸۱۲۸۵۰۱
قزوین	۵۰۲۱۳۵۶۹۰۹۹	۸۳۱۲۵۷۴۸۰۸۸	۵۶۱۰۰۵۶۱۰۲۸	۶۳۷۲۹۵۹۶۰۹۱	۲۸۷۹۱۱۸۱۳۰۳
قم	۶۹۶۲۷۵۷۹۰۹۶	۳۸۹۰۷۱۹۸۰۹۹	۵۲۷۶۳۷۷۹۰۷۷	۶۱۱۷۱۳۹۴۰۸۸	۲۳۳۸۲۳۳۴۵۰۹
کردستان	۴۴۷۶۴۰۲۹۰۲۱	۶۹۷۷۹۹۳۶۰۱۷	۷۸۷۱۸۳۵۱۰۸	۹۴۹۰۴۸۶۴۰۶۹	۴۵۷۷۶۰۷۱۰۴۶
کرمان	۵۳۰۲۱۱۸۰۰۸۶	۲۱۴۳۳۲۷۶۳۰۷	۱۳۷۷۵۸۰۱۰۰۲	۱۵۶۶۸۱۳۸۲	۲۲۴۷۵۸۶۲۲۰۱

ژوئیه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

استان	سایر خدمات عمومی، اجتماعی و خانگی	بهداشت و مددکاری اجتماعی	آموزش	اداره امور عمومی و خدمات شهری و خدمات کسب و کار	مستغلات، کرایه و
کرمانشاه	۳۰۳۴۵۶۴۲.۶۸	۱۴۶۱۷۷۸۸۲.۲	۸۵۵۵۴۶۹۰.۲۲	۲۰۱۳۹۶۶۹۰.۳	۴۴۲۵۶۱۸۷۰.۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۹۰۶۸۰۶۵.۳۶	۷۵۵۷۳۳۶۹.۳۷	۴۱۲۷۳۱۰۵.۶۵	۴۱۹۳۰۶۴۳.۸۲	۵۱۶۴۹۳۵۲.۴۸
گلستان	۳۵۶۰۵۲۵۵.۷۷	۱۲۰۲۹۱۱۵۵.۳	۶۵۹۳۵۷۷۶.۶۹	۸۷۳۸۰۴۱۷.۵۵	۲۳۴۳۵۵۴۶۸.۶
گیلان	۷۰۲۳۴۲۶۲.۸۱	۱۷۱۷۶۶۸۰۳.۲	۸۷۰۰۸۶۲۴.۱	۱۴۶۰۵۳۵۹۷.۳	۴۶۴۸۰۵۰۱۹.۲
لرستان	۴۵۸۲۲۹۹۱.۶۳	۱۱۷۹۴۱۰۹۶.۱	۸۶۴۹۴۹۴۰	۱۰۷۵۱۷۸۲۶.۶	۲۲۱۵۲۵۴۸۷
مازندران	۱۱۱۴۹۰۱۷۰.۸	۲۲۰۷۴۴۰۹۲.۶	۱۲۸۰۵۷۱۱۸.۴	۱۶۹۶۵۷۳۶۷.۳	۴۸۰۷۵۹۹۱۷.۹
مرکزی	۳۹۰۶۳۷۲۰.۶۴	۵۴۰۱۵۱۸۹.۷۴	۵۵۴۹۵۵۱۴.۳۹	۹۳۱۴۵۸۳۹.۷۶	۱۰۷۵۰۴۳۳۳.۴
هرمزگان	۸۵۴۹۲۲۶۸.۷۱	۹۱۱۰۸۹۳۷.۷۴	۱۰۶۱۶۰۱۷۶.۸	۱۰۲۰۷۹۹۰۶.۷	۱۴۷۸۲۲۲۸۱
همدان	۳۲۲۳۶۲۱۳.۲۶	۱۴۲۲۴۲۹۳۶.۹	۱۱۷۲۸۹۸۲۹.۷	۹۳۱۷۵۵۶۶.۵۶	۲۸۵۴۰۸۰۲۸.۱
یزد	۳۳۷۱۴۹۹۷.۸۵	۹۹۵۵۵۳۳۴.۸۵	۶۴۲۶۸۱۲۰.۳۹	۵۸۷۴۹۹۹۷.۱۶	۸۲۸۴۰۳۸۴.۰۴

در سال ۱۴۰۶، پیش بینی می شود استان بوشهر با توجه به توسعه بخش نفت و گاز و محصولات شیمیایی و پتروشیمی به رشد بسیاری دست یابد. از نظر ایجاد ارزش افزوده، پنج استان اول کشور شامل تهران، بوشهر، اصفهان، خراسان بزرگ و فارس خواهند بود و بیش از ۶۰ درصد ارزش افزوده کشور در این پنج استان به وجود می آید. در ایجاد ارزش افزوده در سال ۱۴۰۶، استان های زنجان، لرستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد در رتبه های پایین قرار دارند.

۴. نتیجه‌گیری و راهکارهای سیاستی

رشد و توسعه پایدار از مهم‌ترین اهداف سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای است. با افزایش درآمد سرانه مناطق می‌توان موجبات ارتقای سطح زندگی و معیشت مردم آن مناطق را فراهم آورد. تحقق این موضوع مستلزم درک درست مزیت‌ها، تنگناها و ساختار اقتصادی مناطق است. در این راستا، تلاش شد تا ضمن تعیین عوامل اصلی مؤثر بر رشد اقتصاد منطقه‌ای به لحاظ نظری، اثر ساختار اقتصادی و مزیت‌های نسبی استان‌های کشور بر رشد اقتصادی آن‌ها طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ با استفاده از مدل‌های تحلیل انتقال سهم ارزیابی و تحلیل شود. نتایج به‌دست‌آمده در دوره مورد مطالعه به این شرح است:

- در بخش کشاورزی، اثر ترکیب صنعتی (ساختاری) و رقابتی همه استان‌ها به‌جز آذربایجان شرقی، اصفهان، خوزستان، سمنان، قزوین، قم، کرمان، کرمانشاه، گلستان و گیلان مثبت است و این موضوع بدین معناست که ترکیب ساختاری در بخش مذکور به‌نحوی است که سهم بیشتری در بخش‌هایی که از میزان رشد ملی بالاتری برخوردارند، داشته است؛ ولی این استان‌ها در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخش کشاورزی هستند که این بخش در چشم‌انداز رشد این استان‌ها اهمیت خاصی داشته است.

- در بخش صنعت، اثر ترکیب صنعتی (ساختاری) و رقابتی استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کرمانشاه، گلستان، مازندران، هرمزگان و یزد در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار داشته و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در استان‌های نام‌برده حاکی از مزیت نسبی آن‌ها در بخش صنعت است؛ ولی بقیه استان‌ها بازنده مختلط اقتصادی بوده‌اند و سهم رقابتی منفی آن‌ها نشان می‌دهد اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق در حال از دست دادن است.

- در بخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر و وسایل نقلیه و کالاها همه استان‌ها به‌جز آذربایجان شرقی، بوشهر، خراسان، خوزستان، قزوین، قم، کرمان، گلستان، گیلان، لرستان و مازندران، در بخش هتل و رستوران استان‌های تهران، خراسان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، مرکزی، همدان و یزد، و در بخش حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات استان‌های اردبیل، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، زنجان، فارس، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و مرکزی دارای اثر سهم منطقه‌ای و ساختاری مثبت است که مزیت نسبی منطقه در این بخش‌ها را بیان می‌کند. بنابراین استان‌های مذکور طی دوره مورد مطالعه، در مقایسه با دیگر مناطق، از مزیت نسبی و رقابت‌پذیری برخوردارند و نسبت به متوسط کل کشور عملکرد مناسب‌تری داشته‌اند. در بخش‌هایی که سهم رقابتی مثبت با ترکیب صنعتی مثبت همراه شده است، بیان‌کننده

مزیت نسبی بالقوه در رشد این بخش های منطقه است که می تواند رشد بالقوه ای برای اقتصاد منطقه به همراه داشته باشد.

• در صورتی که بخش های اقتصادی در استان دارای اثر منفی ساختار صنعتی به همراه یک اثر منفی منطقه ای باشد، آن مناطق در بخشی که از رشد ملی خوبی برخوردار است، مزیت ندارند و به این بخش بازنده اقتصادی می گویند که به زودی رشد آن در تولید منطقه کاهش می یابد. در بخش آموزش، استان های آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، سمنان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان و مرکزی، و در بخش اداره عمومی و خدمات شهری استان های آذربایجان غربی، ایلام، تهران و سمنان دارای چنین ویژگی هستند؛ اما به دلیل سهم چشمگیر آن ها در اقتصاد هر استان، ریشه یابی دلایل عملکرد نامناسب آن ها ضرورتی گریزناپذیر است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده سازی این مقاله مشارکت کرده اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی رایت (CC) رعایت شده است.

منابع

جمشیدی، رمضان (۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استان های مختلف کشور. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

درویشی، باقر و عسگری، حشمت اله (۱۳۸۵). «جهت گیری مزیت نسبی برخی از کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرقی آسیا (NICS) و مقایسه آن با ایران». پژوهشنامه اقتصادی، (۴) ۶، ۲۹۷-۲۶۳.

در: http://joer.atu.ac.ir/issue_646_676.html

زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. یزد: دانشگاه یزد.

سپهردوست، حمید و باروتی، مهسا (۱۳۹۳). «تحولات اشتغال در استان لرستان با روش تحلیلی انتقال - سهم». *فصلنامه جمعیت*، ۲۱ (۸۹-۹۰)، ۱۹-۳۶. در: <http://populationmag.ir/article-22-1-fa.html>

صبغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰). *اقتصاد منطقه‌ای، تئوری‌ها و مدل‌ها*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

صرافی، مظفر (۱۳۷۷). *مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی.

فیلد، برایان و مک‌گرگور، برایان (۱۳۷۶). *فنون پیش‌بینی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. ترجمه فاطمه تقی‌زاده. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

کیهانی حکمت، رضا و فتحی‌پور، غلامرضا (۱۳۹۲). «بررسی تحولات اشتغال فارغ التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش‌های عمده اقتصادی با استفاده از تحلیل انتقال - سهم». *فصلنامه جمعیت*، ۱۶-۱۵، ۱۰۳-۱۱۳. در: <http://populationmag.ir/article-461-1-fa.html>

مرکز آمار ایران (۱۳۸۴). *حساب‌های ملی ایران، حساب‌های منطقه‌ای*. تهران: مرکز آمار ایران، دفتر حساب‌های اقتصادی.

مصری‌نژاد، شیرین و ترکی، لیلا (۱۳۸۳). «تجزیه و تحلیل ساختار اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی مناطق شهری ایران در طی دوره ۱۳۷۲-۱۳۸۲ رهیافت تغییر - سهم و شاخص LQ». *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۴ (۱۵)، ۱۰۹-۱۲۸.

مهرگان، نادر، موسایی، میثم و رضایی، روح‌اله (۱۳۹۰). «تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال سهم». *رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴۰)، ۹۳-۱۰۵. در: <http://populationmag.ir/article-510-1-fa.html>

Benjamin, D. (1992). "Household Composition, Labor Markets, and Labor Demand: Testing for Separation in Agricultural Household Models". *Econometrica*, 60(2), 287-322. at: <http://www.jstor.org/stable/2951598>

Chandran, V.G.R., Veera, P., & Karunagaran, M. (2004). "Malaysia's Export Market: Trends, Prospects and Challenges". *International Trade, working paper: 0404002, Econ WPA*. at: <https://ideas.repec.org/p/wpa/wuwpit/0404002.html>

Darvishi, B., & Asgari, H. (2006). "The comparative advantage of some recently industrial-

- ized countries in the south east of Asia (NICS) and its comparison with Iran”. *Economic Letters*, 6(4), 263-297. at: http://joer.atu.ac.ir/issue_646_676.html. (Persain)
- Dinc, M. (2002) “Regional and local Economic Analysis Tools”. World Ban Institute, Washington. DC, January, 1-44.
- Edgar, S. (1960). “A statistical and analytical technique for regional analysis”. *The regional science association, papers and proceedings, vol. vi*, 97-112. at: <https://doi.org/10.1111/j.1435-5597.1960.tb01705.x>
- Field, B., & Gregory, B. (1997). *Predictive skills in urban and regional planning* (translated into Farsi by Fatemeh Taghizadeh). Tehran: The Budget and Planning Organization. (Persain)
- Grobar, M.L. (1996). “Comparing The New England And Southern California Regional Recessions”. *Contemporary Economic Policy, Western Economic Association International*, 14(3), 71-84, 07. [DOI: 10.1111/j.1465-7287.1996.tb00625.x]
- Guimaraes, P., Figueiredo, O., & Woodward, D. (2009). “Dartboard tests for the location quotient”. *Regional Science and Urban Economics*, 39(3), 360-364. at: <https://ideas.repec.org/a/eee/regeco/v39y2009i3p360-364.html>
- Hanham, R.Q. (2000). “Shift-share analysis and changes in japanese manufacturing employment”. *Growth and change*, 31(1), 108-123. [DOI: 10.1111/0017-4815.00121]
- Hartman, L.M., & Dseekler (1967). “Toward the Application of Dynamic Growth Theory of Regional”. *Journal of Regional Science*, 7, 167-173. at: <https://doi.org/10.1111/j.1467-9787.1967.tb01433.x>
- Hirschman, A.O. (1958). *The strategy of economic development*. New Haven, Yale University Press.
- Jamshidi, R. (1999). *Investigating the developmental process of employment and its structural change in industrial sectors of different provinces in Iran*. MA thesis. Tarbiat Modares University, Tehran. (Persain)
- Jones, P.S. (2012). “Job Creation and Regional Change under New Labour: A Shift-Share Analysis”. *Environment and Planning A*, 44(6), 1348-1362. at: <http://www.envplan.com/abstract.cgi?id=a44381>
- Kaldor, N. (1970). “The Case for Regional Policies”. *Scottish Journal of Political Economy*, 85, 337-348. at: <https://doi.org/10.1111/j.1467-9485.1970.tb00712.x>
- Kiani Hekmat, R., & Fathi pour, Gh. (2013). Investigating the employment changes of graduates in economic sectors through a shift-share analytic perspective. *Population Magazine*, 85-86, 103-113. at: <http://populationmag.ir/article-461-1-fa.html> (Persain)

- Lu, Ch. (2016). "The Fishery Industrial Structure in China Based on the Application of Shift-Share Analysis". *Asian Agricultural Research, USA-China Science and Culture Media Corporation*, 8(07). at: http://www.iep.kolasc.net.ru/journal/files/10_sev_rinok_5_17.pdf
- Mehregan, N., Mousayi, M., & Rezayi, R. (2011). "Women's employment changes in Iran: a shift-share perspective". *Social Welfare Quarterly*, 11(40), 93-105. at: <http://populationmag.ir/article-510-1-fa.html> (Persain)
- Mesri Nezhad, Sh., & Torki, L. (2004). "Investigating employment structure in economic sectors if urban areas from 1993 to 2003: A change and shirt-share LQ perspective". *Journal of Executive Management*, 4(15), 109-128. (Persain)
- Myrdal, G. (1957). *Economic theory and underdeveloped regions*. Published by Gerald Duckworth.
- Nguyen, D.T., & Martinez, S. (1979). "Pattern of agricultural growth in mexican states, 1960-71: A shift and share analysis". *Regional studies*, 13(2), 161-179. at: <https://ideas.repec.org/a/ecj/econjl/v89y1979i355p624-35.html>
- Rosendo, M., & Edmundo, B. (2007). "A Shift-Share Analysis on Regional Employment Growth in the Philippines". *National Convention on Statistics*.
- Sabagh Kermani, M. (2001). *Regional economics: Theories and models*. Tehran: Samt. (Persain)
- Sarafi, M. (1998). *The principles of regional development planning*. Tehran: Budget and Planning Organization. (Persain)
- Sepehr Doust, H., & Barouti, M. (2014). "Employment changes in Lorestan province: A shift share analytic perspective". *Population Magazine*, 21(89-90), 19-36. retrieved from: <http://populationmag.ir/article-22-1-fa.html> (Persain)
- Seyfried, W. (1996). *Examining the Economic Competitiveness of the Economies of the Southern United States*. University of Central Arkansas.
- Shi, C., et al. (2009). Shift-share analysis on international tourism competitiveness-a case of Jiangsu Province. *Chin. Geograph.Sc*, 17, 173-178. at: <https://doi.org/10.1007/s11769-007-0173-2>
- Statistical Center of Iran. (2005). *National accounts of Iran: regional accounts*. Tehran: Statistical Center of Iran, Office of Economic Accounts. (Persain)
- Tiebout, Ch. (1956). "Export and Regional Growth". *Journal of Political Economy*, 64, 250-260. at: <https://www.jstor.org/stable/1826831>
- Ziari, K. (1999). *The principles of regional planning*. Yazd: Yazd University. (Persain)